

معرفی پرچم داران عکاسی مدرن (۴)

آوگوست ساندر August Sander

احسان حقیقی

دانشجوی کارشناسی ارشد رشته عکاسی، دانشگاه تهران



تصویر شماره ۱: آوگوست ساندر (۱۹۶۴-۱۸۷۶)

طریق آشنایی او با حرفه عکاسی رقم خورد و باعث شد تا او به صورت جدی پیگیر و علاقه مند صنعت نوظهور عکاسی گردد و آن را به عنوان شغل و حرفه برای آینده خود برگزیند. او با متقاعد کردن خانواده و کمک مالی عمویش توانست یک دوربین قطع cm ۱۸x۱۳ بخرد و تجهیزات تاریکخانه خود را به کمک پدرش در یک کلبه کوچک کنار انبار راه اندازی نماید. ساندر با خودانگیختگی و سخت کوشی که حاصل معاشرت با کارگران و کار در معدن بود به فراگرفتن عکاسی پرداخت. او همانند دیگر عکاسان ابتدا از افراد نزدیک و خانواده به عنوان مدل برای تجربه کار با دوربین استفاده می کرد و از آن ها با چیدمان های مختلف به صورت تک نفره و دسته جمعی عکس می گرفت.

مدتی طول کشید تا ساندر علاوه بر عکسبرداری به فنون چاپ هم مسلط گردد. نخستین درآمد وی از عکاسی هنگامی بود که عکس دسته جمعی کارگران معدن را در هفتاد نسخه برایشان چاپ کرد. توانایی ساندر در عکسبرداری باعث شد تا خیلی زود مشهور شود و کارگران و جوانانی که قصد مهاجرت داشتند به عنوان عکس یادگاری برای تهیه عکس تک چهره به او مراجعه نمایند. ساندر دوره دو ساله خدمت سربازی نیز هنگام اوقات فراغت در استودیوی ارتش به عنوان دستیار به کار می پرداخت و از سربازان و افسران عکس می گرفت و با فروش آن ها هم کسب درآمد می کرد و هم بر دانش و مهارت عکسبرداری اش می افزود. بعد از خدمت سربازی و ترک ارتش، ساندر به نقاط مختلف آلمان سفر کرد و با مرادده و کارآموزی نزد دیگر عکاسان در عکسبرداری تبلیغاتی و معماری هم مهارت پیدا کرد.

عکاسی از همان دهه های اول پیدایش مورد استقبال روز افزون اقشار مختلف قرار گرفته است. گستردگی ارتباط و تعامل عکاسی با دیگر علوم و استفاده بین رشته ای آن از لحظه تولد همواره به صورت کاربردی مدنظر و مورد استفاده دانشمندان بوده است. نقش و کارکرد ویژه عکس در میان طبقات گوناگون عامه مردم نیز بر کسی پوشیده نیست. اما در این میان هنرمندانی بودند که با تفکر خود در باب چگونگی خوانش و بازنمایی انسان در تصاویر پایه های مطالعات فرهنگی، مناسبات اجتماعی و امکان روایت پس زمینه های تاریخی را پدید آورده اند. آوگوست ساندر عکاس آلمانی جزو پیشگامان عکاسی مستند، در دوره سخت بین دو جنگ جهانی است که با تأکید بر تک چهره های طبقات مختلف در محل زندگی خود مبحث مؤلفه های روان شناختی و فردیت مدار افراد را از زبان تصویر بیان می دارد.

در آن سال ها جهان علی الخصوص در اروپا و آمریکا دستخوش تحولات گسترده در حوزه های مختلف صنعتی و تکنولوژی و نیز بسترسازی، ظهور و رشد عقاید جدید فلسفی و عقیدتی و گذار از سنت به سوی مدرنیسم گردیده بود که مجموعه هنرها و به ویژه عکاسی هم از هر دو وجه از این قاعده مستثنی نیستند.

این نوشتار شرح حال زندگی این هنرمند از منابع کتابخانه ای و مراجعه به سایت های اینترنتی است.

آوگوست ساندر August Sander

آوگوست ساندر در سال ۱۸۷۶ در شهر کوچکی به نام هردورف^[۱] در کشور آلمان دیده به جهان گشود. وی از آغاز سنین نوجوانی همراه پدرش که به حرفه نجاری در صنعت معدن اشتغال داشت در کنار کارگران سخت کوش معدن مشغول به کار شد. از بخت و اقبال او بود که یک عکاس که از کارگران و مناظر اطراف معدن عکاسی می کرد او را به عنوان دستیار قبول کرد و از این

1-herdorf





تصویر شماره ۲: پیرمرد کشاورز، ۱۹۳۱



تصویر شماره ۳: محضر دار، ۱۹۲۴

قرن بیستم» بود، پروژه عظیمی که هیچ‌گاه کامل نگردید.

با شروع جنگ جهانی اول ساندر به ارتش ملحق شد و مدیریت استودیوی عکاسی را به همسرش واگذار کرد. در سال ۱۹۱۸ و بازگشت ساندر استودیو با حجم زیاد سفارشات برای گرفتن عکس‌های هویتی که روی کارت‌های شناسایی افراد الصاق می‌شدند و همچنین چاپ مجدد عکس‌های کشته‌شدگان جنگ مواجه بود.

از آنجا که تهیه برگ‌های هویت اجباری شده بود مراجعه هنرمندان و اندیشمندان آن دوره به استودیوی عکاسی ساندر برای تهیه عکس‌های مذکور، پایه‌گذار روابط صمیمانه و تردد وی در محافل هنری شد.

یکی از نزدیک‌ترین دوستانش نقاش

در آن دوره هنوز ارزش نقاشی بالاتر از عکاسی بود و از نظر عامه مردم عکس خوب و مورد قبول عکسی بود که جلوه‌های نقاشی و تصویرگری در آن وجود داشته باشد. ساندر با تیزهوشی و درک موقعیت زمانی دوره خود برای بالابردن سطح درک و دانش نقاشی‌اش برای استفاده از آن در عکاسی در یک دوره آموزشی کوتاه‌مدت در آکادمی هنر شهر «درسدن»^[۲] به فراگرفتن علوم نقاشی و مطالعه اصول چهره‌پردازی در نقاشی پرداخت. در سال ۱۹۰۱ ساندر پس از ازدواج آلمان را ترک و در شهر لینز^[۳] اتریش ساکن شد و به‌عنوان دستیار در مجهزترین استودیوی شهر مشغول به کار گردید.

ساندر از تلفیق آموخته‌های نقاشی با دانش و تجربه عکاسی توانست هنگام عکسبرداری با استفاده از پرده‌های نقاشی شده و نورپردازی استادانه سوژه‌ها و وسایل تزئینی، صحنه را به صورت رویاگونه آرایش دهد و هنگام چاپ هم با اصلاح و دخل و تصرف در تصاویر، از درآمد و شهرت بالایی برخوردار گردد. وی در مدت دو سال استودیوی محل کارش را خرید و رسماً به‌عنوان بهترین عکاس شهر شناخته شد.

در سال ۱۹۰۴ ساندر به واسطه آزمایشات فراوان که برای دستیابی به قابلیت عکاسی رنگی و تولید فیلم‌های رنگی انجام داد، توانست نسخه‌هایی از عکس رنگی را چاپ کند و تعدادی از این عکس‌ها را نیز به موزه لایپزیک^[۴] فروخت و همچنین توانست موفق به کسب مدال دولتی کشور اتریش و سه مدال بین‌المللی گردد که این برای ساندر بیست و هشت ساله مایه بسی افتخار و مباهات بود.

در سال ۱۹۰۵ اولین نمایشگاه خود را در «لندهاوس پابون»^[۵] شهر لینز برگزار کرد. نمایشگاه و عکس‌های ساندر تا مدت‌ها موضوع بحث روزنامه‌ها و مطبوعات شهر لینز و همچنین محافل هنری آن شهر بود. عکاسخانه مجهز و تبحر ساندر برایش درآمد مالی خوبی به همراه داشت، اما به سبب علاقه شدید وی به خرید تابلوهای نقاشی، کتاب و اشیاء عتیقه که سهم به‌سزایی از درآمدش را شامل می‌شد، دچار مشکلات مالی گردید. بعد از مدتی به دلیل بیماری پسر ارشدش اریش^[۶] و ورشکستگی مالی به اتفاق همسر و فرزندان به شهر کلن بازگشت و یک عکاسخانه جدید تأسیس نمود.

ساندر پس از تجربه چند سال عکاسی تک‌چهره در استودیو و ساخت تصاویری با معیارهای نقاشانه به نگرش تازه‌ای در خلق پرتره‌های بیرون استودیو رسیده بود. وی می‌خواست تا محدودیت عکاسی استودیویی که باعث می‌شد تا فردیت انسان‌ها در نقاب صحنه‌آرایی و نورپردازی آتلیه‌ای پنهان شود را پشت سر گذاشته و به درک تازه‌ای از عکاسی تک‌چهره برسد.

وی برای تجربه‌گرایی و کنکاش در این نگرش جدید در تعطیلات آخر هفته در زادگاهش دهکده «وستروالد»^[۷] سوار بر دوچرخه همراه با وسایل عکاسی از مردم روستایی در محل زندگی‌شان عکسبرداری می‌کرد. این تجربه برای ساندر شروع یک دوره جدید عکاسی بود. او بدون استفاده از وسایل تزئینی و پس‌زمینه‌های نقاشی شده از مدل‌های عکاسی می‌کرد و معتقد بود با این روش فردیت خاص هر یک از سوژه‌هایش را مصور می‌نماید. رابطه ساندر و سوژه‌هایش به قدری مطمئن و صادقانه بود که حدود یک‌سال ساندر با همین منوال از آنان عکس گرفت و آن‌ها را طبق سلیقه خود چیدمان می‌کرد و هیچ‌گاه برای عکاسی از سوژه‌هایش دچار مشکل خاصی نشد.

این نخستین گام‌ها و عکس‌ها برای پایه‌گذاری ایده و خلق مجموعه عکس «انسان‌های

2-Dresden

3-Linz

4-Leipzig

5-Land house Pavilion

6-Erich

7-Westerwald



تصویر شماره ۵: کشاورزان در راه کلیسا، ۱۹۱۳



تصویر شماره ۴: پیش خدمت کافه، ۱۹۲۸

مارکسیستی به نام فرانتس ویلهلم زیورات بود که هنر را وسیله‌ای برای بیان ساختارهای اجتماعی تلقی می‌کرد.

مرآده ساندر با هنرمندان دیگر که به کارهای او ابراز علاقه می‌کردند و گفتگوهای آنان درباره زیبایی‌شناسی و مسائل اجتماعی و سیاسی باعث شد تا وی با دید جدیدی به سراغ سوژه‌هایش در وستروالد برود. او دیگر در جستجوی عینیت خالص در مدل‌هایش و از چیدمان و پیش‌داوری در مورد مدل‌هایش پرهیز می‌کرد. رفتار ساندر با مدل‌هایش به گونه‌ای بود که بین آن‌ها هیچ تفاوتی قائل نمی‌شد و هنگامی که آن‌ها جلوی دوربین ساندر قرار می‌گرفتند دیگر نظرات و عقاید خود را بر آن‌ها تحمیل نمی‌کرد اشخاص به دور از تفاوت‌ها با ژست‌های خاص خودشان جلوی دوربین حاضر شده و اختلاف تصاویر ناشی از سطح طبقه، حرفه و... افراد بود.

با به قدرت رسیدن حزب نازی، پسر ساندر که عضو حزب سوسیالیست کارگر بود و

با به قدرت رسیدن حزب نازی، پسر ساندر که عضو حزب سوسیالیست کارگر بود و

با به قدرت رسیدن حزب نازی، پسر ساندر که عضو حزب سوسیالیست کارگر بود و

با به قدرت رسیدن حزب نازی، پسر ساندر که عضو حزب سوسیالیست کارگر بود و

با به قدرت رسیدن حزب نازی، پسر ساندر که عضو حزب سوسیالیست کارگر بود و



استفاده از پس‌زمینه‌ها و دکوراسیون تزئینی و همچنین دستکاری کردن عکس‌ها هنگام چاپ به چهره انسان‌ها می‌زدند توانست تا با نفوذ به خمیره و درون مایه افراد از عکس، کاربردی فراتر از حد تصور هنرمندان آن دوران طلب کند. ساندر با گذر از مشکلات و موانع غیرقابل کنترل در عکاسی پرتره محیطی مانند تغییر تابش نور طبیعی، حضور افراد و عناصر ناخواسته اقدام به خلق مجموعه‌ای روشمند و هدفمند نمود که تا مدت‌ها تأثیر آن بر دیگر عکاسان مانند چارلز شیلر، رالف استاینر و کارل استروس مشهود بود. ■



تصویر شماره ۶: مرد هندی وزن آلمانی، ۱۹۲۶

منابع

- ۱- اشتیان، پتر، ۱۳۹۰، نماه‌های عکاسی (قرن ۲۰)، ترجمه محسن بایرام‌نژاد و شیوا اسکندری، انتشارات مرکب سپید، تهران.
- ۲- لنگفورد، مایکل، ۱۳۸۶، داستان عکاسی، ترجمه رضانبوی، نشر افکار، تهران.
- ۳- مورا، ژیل، ۱۳۹۰، کلمات عکاسی، ترجمه حسن خویبدان و کریم متقی، نشر حرفه نویسنده، تهران.
- ۴- بریان، کو، ۱۳۷۹، عکاسان بزرگ جهان، ترجمه پیروز، سپار نشر نی، تهران.
- ۵- فرهنگ عکاسان جهان، ۱۳۹۲، تورج حمیدیان-شهریار توکلی، حرفه هنرمند، تهران.

منابع اینترنتی

- 6- <http://augustsander.com>
- 7- <http://www.digitalphotographycourses.co.za>
- 8- <http://www.moma.org>
- 9- <http://www.houkgallery.com>
- 10- www.masters-of-Photography.com

عقاید چپ داشت بعد از مدت‌ها فرار در خانه پدر دستگیر شد و همین امر سبب گردید تا گشتاپو بایگانی عکس‌های ساندر را تجسس کند و اقدام به توقیف آن‌ها نماید. عکس‌های ساندر به دلیل نشان دادن واقعیت عینی مردم آلمان به دور از تبلیغات و شعارهای توخالی حزب نازی مبنی بر نژاد برتر هیتلر، از نظر گشتاپو تصاویری ضداجتماعی تشخیص داده شد و تمامی نسخه‌های موجود کتاب «چهره عصر ما» نیز در سال ۱۹۳۴ جمع‌آوری و به همراه لوحه‌های چاپی آن نابود گردید. در سال ۱۹۴۲ ساندر برای گریز از فشار جنگ از شهر کلن به روستای وستروالد نقل مکان کرد، ولی به دلیل کوچک بودن خانه‌اش نتوانست آرشو نگاتیوهای شیشه‌ای را با خود به وستروالد ببرد. هنگام بمباران شهر کلن در سال ۱۹۴۶ در حدود ۲۵ تا ۳۰ هزار عدد شیشه از تصاویر منفی موجود در گنج استودیو او در آتش سوخت و پروژه چاپ کتاب «مردم قرن بیستم» برای همیشه عقیم ماند.

ساندر پس از پایان جنگ دیگر تک‌چهره‌های جدید نگرفت و بیشتر اوقات خود را صرف عکاسی از مناظر، چاپ نگاتیوهای قدیمی و برگزاری نمایشگاه نمود.

آوگوست ساندر عکاس شهیر آلمانی در سال ۱۹۶۴ بر اثر سکته مغزی درگذشت.

آنچه باعث می‌شود تا آوگوست ساندر از دیگر عکاسان هم دوره‌اش متمایز گردد نگاه ویژه او به عکاسی است که توأمان هم به شیوه‌های انتقال پیام و معنا به وسیله تصویر توجه دارد، هم به زیبایی‌شناسی و ترکیب‌بندی و از این دو اهرم برای به تصویرکشیدن مناسبات اجتماعی و تعامل فرهنگی بصری بین سوژه‌های عکاسی شده و مخاطب عکس حداکثر استفاده را می‌برد. او با کنارزدن نقاب مصنوعی که عکاسان در آتلیه به سبب